



آخوان المسلمین: آرزوی ما تشکیل حکومتی مانند ایران است

«جنبش اخوان المسلمین» در مصر بعنوان یکی از محورهای شکل دهی به «انتفاضه اخیر» شناخته شد.

171#؛ جنبش اخوان المسلمین؛ در مصر بعنوان یکی از محورهای شکل دهی به 171#؛ انتفاضه اخیر؛ شناخته شد. در عین حال پیرامون این جریان اسلام گرا 171#؛ اما و اگر؛ هایی مطرح گردید و به همین دلیل این روزها در مجامع سیاسی ایران نیز درخصوص اهداف، کارکرد، دیدگاهها و چشم انداز فعالیت آنان سولاتی پدید آمده است. در تحلیل مواضع و عملکرد اخوان المسلمین مصر موارد زیر می تواند بر رفع این ابهامات کمک کند؛

1- اخوان المسلمین در سال 1307 در زمانی که فعالیت مثلث آتاتورک، رضاخان و امان الله خان- در ترکیه، ایران و افغانستان- برای استقرار رژیم هائی غرب گرا- ترکیب سکولاریزم و خودباختگی- به اوج رسیده بود و جهان اسلام تهدید می شد، در اسکندریه مصر تاسیس گردید اخوان المسلمین را یک راننده که در کانال سوئز شاغل بود، باغبان یک شرکت، یک درشکه چی بازار، یک صاحب رختشویی خانه، یک نجار محله افرنج، یک آرایشگر خیابان جامع و حسن البنا یک معلم زبان عربی تاسیس کردند. حسن البنا عمداً به سراغ روشنفکران و چهره های متنوع نرفت و به جای هر نام دیگری برای 171#؛ جمعیت؛ خود، 171#؛ اخوان المسلمین؛ را برگزید او نمی خواست یک حزب سیاسی به مفهوم رایج آن راه بیندازد و در قدرت شریک گردد. بلکه درصدد بود در مقابل موج دین ستیزی یک موج بسازد. او با نگاه به اسلوب دین در مواجهه با دین ستیزان مستقیماً به سراغ توده های جامعه رفت؛ راننده، باغبان، درشکه چی و... البته خود او از تحصیلات عمیق اسلامی برخوردار بود و تجربه کار حزبی در 171#؛ اخوان الحصابیه؛ هم داشت که دارای رویه ای اصلاح طلبانه- به معنای تغییرطلبی- بود.

اخوان المسلمین کمتر از 5 سال پس از آغاز فعالیت در بیش از 20 شهر مصر شعبه داشت و چندین مرکز تبلیغ دینی را به وجود آورده بود این در حالی بود که در این سالها انگلیس سیطره زیادی بر مصر داشت و 171#؛ فواد پاشا؛ خدیو دست نشانده انگلیسی ها مشکلات فراوانی را سر راه حسن البنا و جمعیت او ایجاد کرده بود.

171#؛ جمعیت اخوان المسلمین؛ 10 سال پس از تاسیس و گسترش اعضا، کنفرانس پنجم خود را برگزار کرد. در این کنفرانس، حسن البنا در سخنرانی خود با صراحت اعلام کرد: 171#؛ مسئله حکومت در اسلام جزء عقاید و اصول و نه امور فقهی و فروع است؛ او گفت: 171#؛ اسلام، دین و حکومت؛ و 171#؛ قرآن و شمشیر است؛ حسن البنا در عین حال رسیدن به هدف نهایی جمعیت اخوان را از طریق مسالمت جویانه و پارلمانی میسر می دانست و شرایط مصر را با 171#؛ انقلاب؛ مناسب نمی دید. او در سخنرانی خود گفت: 171#؛ پارلمان بهترین وسیله برای تحقق اهداف اخوان است و هدف اخوان در این جمله خلاصه می شود: قرآن قانون اساسی ماست؛ این البته به معنای رویگردانی از انقلاب نبود، خود او در کتاب 171#؛ بین الامس و الیوم؛ که در همین سال (1317ش) منتشر گردید، نوشت: 171#؛ اگر شرایط منجر به انقلاب شود، این امر ناشی از دعوت اخوان المسلمین نیست بلکه زائیده شرایط و نتیجه اوضاع و احوال است؛ اخوان المسلمین احساس می کرد روی آوردن به شیوه های قهرآمیز در شرایطی که آمادگی آن در مردم وجود ندارد و از سوی دیگر با شدت از سوی رژیم تحت حمایت انگلیس سرکوب می شود، به نتیجه نمی رسد.

اخوان المسلمین پس از آن تا امروز بر این دو منہاج- تلاش برای برپایی حکومت اسلامی و استفاده از ظرفیت های قانونی و نه رویه قهرآمیز- باقی مانده است. همین دو روز پیش- یکشنبه- 171#؛ کمال الهلباوی؛ عضو ارشد اخوان المسلمین به شبکه تلویزیون بی بی سی- با وجود اصرار مجری این شبکه برای یافتن کلمه ای در نفي مواضع الهی حضرت آیت الله خامنه ای، دامت برکاته، راجع به خیزش مردمی مصر- گفت: 171#؛ من از امام خامنه ای بخاطر مواضعش راجع به مصر تشکر می کنم. این موضعی است که همه مصری ها باید از آن قدردانی کنند و من امیدوارم در مصر نیز دولت خوبی مثل دولت ایران و رئیس جمهور شجاعی نظیر احمدی نژاد بر سرکار بیاید؛

2- اخوان المسلمین با 171#؛ افسران آزاد؛ در براندازی رژیم سلطنتی و اعلام 171#؛ جمهوری مصر؛ همراه بود و حتی رهبران 171#؛ افسران آزاد؛ نظیر جمال عبدالناصر، عبدالمنعم عبدالرؤف، خالد محی الدین، کمال الدین حسین و حسن ابراهیم پیش از آنکه به قدرت برسند، عضو سازمان مخفی جمعیت اخوان المسلمین بودند. اعضای اخوان در مبارزه ناصر برای آزادسازی کانال سوئز از سلطه انگلیسی ها در کنار او قرار داشتند و فرماندهی بسیاری از یگانهای عمل کننده ارتش مصر برعهده افسران وابسته به اخوان بود. پس از ملی شدن کانال سوئز و به نتیجه رسیدن این مبارزه، میان رهبران انقلاب مصر اختلاف افتاد. دو جناح از رهبران اخوان خواستند که افرادی را برای حل و فصل مشکلات مشخص گردانند و این وساطت ها غالباً مؤثر واقع می شد. اما روابط اخوان المسلمین با ناصر به درازا نکشید و او که بر موج حمایت مردمی و ناسیونالیزم عربی سوار بود و خود را بی نیاز از حمایت 171#؛ برادران سابق؛ خود می دید بنای سخت گیری را گذاشت این در حالی بود که در این دوره، آنان توانسته بودند شعبه های خود را در اکثر کشورهای عربی تاسیس کنند و به یک 171#؛ جنبش جهانی؛ تبدیل شده بودند. عبدالناصر در این زمان (1332) علی رغم آنکه تازه به ریاست جمهوری رسیده بود و این پست را تا حد زیادی مدیون اخوان المسلمین بود، بر انحلال سه سازمان حساس و کلیدی اخوان شامل 171#؛ شاخه نظامی؛، 171#؛ تشکیلات آن در ارتش؛، و 171#؛ سرویس

اطلاعاتی؛ تأکید کرد و با اعمال فشار به «الهضیبی؛ رهبر وقت اخوان آن را عملی کرد و حال آنکه در این زمان افسران عضو اخوان نقش کلیدی روی حفظ کانال سوئز داشتند.

ناصر با پافشاری بر ناسیونالیسم به جای اسلام روز به روز از اخوان المسلمین دورتر شد و کار به جایی رسید که ناصر جمعیت اخوان رامنحل کرد و رهبران آن را به زندان انداخت و بعضی از آنان از جمله شخصیت متفکر اخوان «سید قطب؛ را اعدام کرد. بر این اساس باید گفت اخوان المسلمین در دوره 14 ساله ریاست جمهوری عبدالناصر بحرانی ترین شرایط خود را سپری کرد.

3- اخوان المسلمین در دوره ریاست جمهوری محمد انور سادات شرایط متفاوتی را سپری کرد. وقتی سادات در سال 1350 - بعد از مرگ ناصر- به روی کار آمد خود را -به نسبت ناصر- در شرایط ضعف ارزیابی کرد. از این رو او برای اینکه جای پای خود را در میان مردم محکم گرداند، رهبران زندانی اخوان را آزاد کرد و تلاش کرد از توانایی های آنان برای بهبود شرایط خود کمک بگیرد. براین اساس اخوان و نیروهای فراوان آن از او در جنگ 1973 علیه اسرائیل که با هدف ظاهری بازگرداندن صحرای سینا و منطقه طابا- که در جنگ 1967 به اشغال اسرائیل درآمده بود- و با هدف واقعی مذاکره با رژیم صهیونیستی انجام شد و سادات این هدف را مخفی نگه داشته بود، حمایت کردند و این کمک فراوانی به سادات برای شکستن «خط بارلو؛ که ناممکن می نمود، کرد. اما سادات به زودی اهداف خود را از جنگ 1973 عیان کرد، او با سفر سه روزه به تل آویو- در سال 1975- به آرمانهای جمعیت اخوان در مورد آزادسازی قدس و فلسطین خیانت کرد و از این رو اخوان به شدت با سادات به مخالفت برخاست که این مخالفت ها در جریان اجلاس کمپ دیوید به اوج خود رسید و به بازداشت دست جمعی اعضای ارشد اخوان و انحلال این جمعیت انجامید.

4- با ترور سادات توسط یک افسر ارتشی عضو «جهاد اسلامی مصر؛ و روی کار آمدن حسنی مبارک وضعیت اخوان تا حدودی دگرگون شد. مبارک قول داد که سیاست های ناصر و سادات در محدود کردن احزاب و کنترل انتخابات را کنار بگذارد. اخوان که دنبال فرصت بود از این سیاست استقبال کرد و در انتخابات مجلس مشورتی مصر شرکت کرد و توانست بیش از یک سوم کرسی های مجلس را در سال 1985 بدست آورد و آن را در انتخابات 1990 به 35 درصد برساند این روند نگرانی زیادی را برای دولت سکولار حسنی مبارک و غرب به وجود آورد و سبب شد که مبارک نتایج انتخاباتی آن سال را نپذیرد و به برگزاری انتخاباتی تضمین شده برای حزب خود- دمکراتیک ملی- روی آورد.

5- اخوان المسلمین در سطح بین المللی تاثیرگذارترین جریان سیاسی سنی می باشد که در 17 کشور عربی و 10 کشور غیر عرب شعبه دارد و سه دولت اسلامی را در میان کشورهای با جمعیت اکثریت سنی به وجود آورده است که هم اکنون در ترکیه، فلسطین و سودان در قدرت می باشند. آنان قبلا در افغانستان دولت برهان الدین ربانی را بر سر کار آوردند و سهم مهمی در دولت ماهاتیر محمد در مالزی داشتند. این جمعیت در مجموع نزدیکترین رابطه را در میان کشورها و جمعیت های اهل سنت با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دارد و از نظر فکری به اندیشه های انقلاب اسلامی بسیار نزدیک است.

در طول دوران 32 سال اخیر اخوانی ها در هر کجا که بوده اند از انقلاب اسلامی و حضرت امام و حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت برکاته با صراحت تبلیغ کرده اند کما این که رهبران انقلاب ایران در طول 87 سال حیات اخوان المسلمین همواره مورد تکریم و احترام رهبران شیعه بوده اند. در هفته های اخیر انگلیسی ها، آمریکایی ها و رژیم سعودی تلاش زیادی کردند تا با توهم پراکنی از یک سو چهره اخوان المسلمین و خیزش اخیر مصر را در نزد افکار عمومی ایرانیان و از سوی دیگر چهره رهبران ایران را نزد مردم مصر مخدوش گردانند که مواضع رسمی اخوان از جمله اظهارات «کمال الهلباوی؛ و مواضع صریح حضرت آیت الله خامنه ای- دامت برکاته- این تلاش ها را باطل کرده است.

سعدالله زارعی